

مقاله پژوهشی: قدرت‌های بزرگ و الگوهای مدیریت منازعه (مطالعه موردی منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا)

علی آدمی^۱، امیر قیاسی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

چکیده

محیط امنیتی شرق و جنوب شرق آسیا به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ظرفیت‌های ژئواکونومیکی همواره بستر ساز منازعه و تقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. این ویژگی‌ها در کنار مواجهه متفاوت بازیگران، ماهیت منازعات را تغییر داده و دامنه و شدت آن را بیشتر کرده است. بنابراین از آنجا که این منازعات محصول عوامل متعدد و پیچیده‌ای است، شناخت عوامل مهم و کلیدی مرتبط با آن نیز بسیار حائز اهمیت بوده و می‌تواند در تبیین راهبردهای بازیگران درگیر مؤثر باشد. از این رو این پژوهش بر مبنای رویکردی توصیفی-تبیینی و به صورت نظام‌مند نوع مواجهه چین، روسیه و آمریکا و رفتار و راهبرد آنان در این منازعات را بررسی کرده است و به الگوییابی مدیریت منازعه این بازیگران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ، استمرار و پیگیری رویکرد، راهبرد و اهدافی معین از سوی این سه بازیگر منجر به شکل‌گیری سه الگوهای متفاوت مدیریت منازعه در قالب الگوی حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین از سوی چین، الگوی تداوم منازعات و حفظ آن در چارچوب منازعه منطقه‌ای از سوی روسیه و الگوی تشدید و بین‌المللی کردن منازعات از سوی ایالات متحده آمریکا شده است.

واژه‌های کلیدی: الگوی مدیریت منازعه، منازعات دریایی، شرق آسیا، جنوب شرق آسیا، چین، روسیه، آمریکا

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

۲. پژوهشگر و دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Ghiyasi.a@ut.ac.ir

۱. مقدمه

دریاهای شرق و جنوب شرق آسیا به واسطه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی، حضور قدرت‌های بزرگ (نظیر چین، روسیه و آمریکا) و نفوذ بازیگران منطقه‌ای (از جمله ژاپن، هند، کره شمالی و جنوبی) به حوزه‌ای مهم و پر چالش تبدیل شده است. هر کدام از این دریاها به تعدادی کشور ساحلی با ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت ختم می‌شوند که راهبردها، الگوهای رفتاری و اهداف متفاوتی را نیز دنبال می‌کند. این دریاها به واسطه ادعاها و اختلافات متعدد در بین کشورهای ساحلی بر سر تسلط بر آب‌ها، جزایر و منابع موجود در آن و نیز نقش‌آفرینی در ساختار امنیتی آن، همواره بی‌ثبات و محل تنش و منازعه بوده‌اند. این منازعات از عواملی همچون افزایش قدرت چین و توسعه روابط اقتصادی و تجاری بین‌المللی آن و تبدیل شدن این آب‌ها به مهمترین کانال ترانزیت دریایی بین‌المللی به همراه گسترش ادعاها، تشدید یافته است که نتیجه آن بروز چالش‌های متعددی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است.

در سال‌های اخیر افزایش اختلافات بین کشورهای پیرامونی این دریاها، دامنه منازعات را تشدید کرده است. در این میان برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سعی در مدیریت این منازعات با اتخاذ راهبردهایی مشخص داشته‌اند. چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا از آن جمله‌اند که با اقدامات و راهبردهایی خود سمت و سویی متفاوت به این منازعات داده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع و پیچیدگی این منازعات، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تبیینی، روشی کتابخانه‌ای و تحلیلی نظام‌مند نوع مواجهه چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا و رفتار و راهبرد آنان در این منازعات را بررسی نموده و به الگویی مدیریتی منازعه این بازیگران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ، استمرار و پیگیری رویکرد، راهبرد و اهدافی معین از سوی این سه بازیگر منجر به شکل‌گیری سه الگوهای متفاوت مدیریت منازعه در قالب الگوی حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین از سوی چین، الگوی تداوم منازعات و حفظ آن در چارچوب منازعه منطقه‌ای از سوی روسیه و الگوی تشدید و بین‌المللی کردن منازعات از سوی ایالات متحده آمریکا شده است. در این پژوهش ابتدا پیشینه تحقیقات مرتبط با موضوع، چارچوب مفهومی و روش پژوهش تشریح شده است. در ادامه ضمن بررسی مختصات جغرافیایی منازعات و مهمترین علل آن، رویکرد، راهبرد و اهداف چین، روسیه و آمریکا در منازعات و الگوهای مدیریت منازعه آنان تبیین شده است و در نهایت نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب مفهومی

۲-۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع این پژوهش آثار علمی متنوعی وجود دارد. بی^۱ در پژوهش «اختلافات سرزمینی دریایی در شرق آسیا: تحلیل مقایسه‌ای دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی» (۲۰۱۱) ضمن بررسی ریشه‌های منازعه، حل منازعه را در چارچوب تئوری ثبات هژمونیک و میانجیگری عملی می‌داند. پاتالانا^۲ در پژوهش «قدرت دریایی، اختلافات دریایی و امنیت در حال توسعه دریاهای شرق و جنوب چین» (۲۰۱۳) تحولات فزاینده اقتصادی، سیاسی و نظامی را زمینه‌ساز تنش و منازعه دریایی شرق آسیا معرفی کرده است. صبور^۳ و قیاسی در پژوهش «تحولات ژئوپلیتیک دریای جنوبی چین و راهبرد بازیگران منطقه‌ای: آثار و پیامدها» (۱۳۹۳) ضمن بررسی تغییرات ژئوپلیتیک این دریا، نقش‌آفرینی بازیگران متعدد را بستر ساز افزایش ادعاهای حاکمیتی و تشدید منازعه دانسته‌اند. در پژوهش لین^۴ با عنوان «پشت تشدید تنش‌های دریایی شرق آسیا با چین» (۲۰۱۵) حضور ایالات متحده آمریکا و عدم همکاری و تقابل همسایگان با چین تحت تأثیر این کشور به عنوان عواملی مهم در تشدید منازعات ذکر شده است. دکاسترو^۵ در پژوهش «فیلیپین و کشف حوزه دریایی: تغییر تمرکز دولت از استراتژی امنیت داخلی به امنیت دریایی» (۲۰۱۶) ریشه منازعات دریای جنوبی چین را موازنه راهبردی قدرت‌های کوچک مانند فیلیپین با ایالات متحده آمریکا و ژاپن و تلاش برای موازنه سازی با چین بر سر موضوعات امنیتی بیان کرده است. همچنین استانزل^۶ در پژوهش «خطر در دریاهای آزاد: چالش امنیتی شرق آسیا» (۲۰۱۶) تقابل قدرت‌های بزرگ در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا را به عنوان عامل اصلی منازعات شرق آسیا ذکر کرده است.

در پژوهش کرولو^۷ با عنوان «دو سطح از سیاست‌های روسیه در دریای چین جنوبی» (۲۰۱۹) راهبرد دوگانه روسیه در قبال چین و موازنه‌سازی قدرت ایالات متحده به عنوان علل تشدید تنش در این حوزه معرفی شده است. استراتینگ^۸ در پژوهش «اختلافات دریایی، حاکمیت و نظم مبتنی بر قوانین در شرق آسیا» (۲۰۱۹) ادعاهای تاریخی و حاکمیتی کشورهای ساحلی بر سر آب‌ها و

۱ Yee, A.

۲ Patalano, A.

۳ Lin, C. P.

۴ De Castro, R. C.

۵ Stanzel, V.

۶ Korolev, A.

۷ Strating, R.

جزایر و تأکید بر رژیم‌های حقوقی متعدد را در اختلافات دریایی شرق آسیا مؤثر دانسته است. کو^۱ در پژوهش «ژاپن و سیاست هویتی اختلافات دریایی آسیای شرقی» (۲۰۱۹) سیاست‌های هویتی ژاپن و چین و تأثیر آن بر افزایش رقابت‌های دو کشور در دریاهای چین جنوبی، دریای شرقی و اقیانوس هند-آرام را به عنوان عامل تنش و منازعه ذکر کرده است. نتایج پژوهش پراستیا و همکاران^۲ با عنوان «مسئله هویت: رویکرد اندونزی نسبت به اختلافات ارضی در جنوب شرقی آسیا» (۲۰۲۰) حاکی از تأثیر این تنش‌ها بر سیاست‌ها و مواضع کشورهای منطقه از جمله اندونزی در منطقه است. در پژوهش تان^۳ با عنوان «احاله به محافظ: آسیای جنوب شرقی و استراتژی امریکا (هند و اقیانوس آرام آزاد و باز)» (۲۰۲۰) اقدامات و راهبردهای پیرامون موازنه‌سازی و مهار چین توسط چهار کشور ایالات متحده امریکا، ژاپن، استرالیا و هند به عنوان مهمترین عوامل ایجاد منازعه و تنش در این حوزه ذکر شده است. در پژوهش وود^۴ با عنوان «استراتژی دریایی و امنیت ملی چین در دریای چین جنوبی» (۲۰۲۱) تأثیر تنش‌های دریای جنوبی چین بر برنامه‌ها و رویکردهای سیاسی، امنیتی و نظامی بیان شده و بر لزوم اتخاذ راهبردهای تعیین کننده از سوی چین تأکید شده است.

با این حال علی‌رغم تمرکز پژوهش‌های پیشین در بررسی طیف مختلفی از موضوعات از قبیل علل و ریشه منازعات، راهبردهای بازیگران در این منازعات و آثار این منازعات بر روابط بین بازیگران، موضوع و مسأله‌ای که در این پژوهش‌ها مغفول مانده است، رفتارشناسی، بررسی و تبیین نظام‌مند و قاعده‌مند رفتارها و راهبردهای بازیگران است و اینکه در پس کنش‌ها، واکنش‌ها، راهبردها و سیاست‌های بازیگران درگیر در این منازعات از جمله چین، روسیه و امریکا چه الگوهای مدیریت منازعه‌ای وجود دارد؟ و این الگوها چگونه قابل تبیین است؟ پرداختن به این مسائل و ارائه و تبیین الگوهای مدیریت منازعه این سه بازیگر در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا از جمله وجوه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های ذکر شده است.

۲-۲. چارچوب مفهومی

در تشریح چارچوب مفهومی پژوهش و برای درک منسجم‌تر یافته‌های پژوهش که منتج به الگویابی مدیریت منازعه قدرت‌های بزرگ می‌شود، سه مبحث مفهوم منازعه، ویژگی‌های منازعه و موضوع مدیریت منازعه به اختصار تشریح شده است.

^۱ Koo, M. G,
^۲ Prasetya, D. M. et al
^۳ Tan, S. S.
^۴ Wood, J. R.

۲-۲-۱. مفهوم منازعه

منازعه^۱ به معنای ابراز خصومت، نگرش منفی، تضاد، پرخاشگری، رقابت و سوء تفاهم است. منازعه با موقعیت‌هایی مرتبط است که شامل منافع متناقض بین دو طرف یا گروه متضاد باشد که هر کدام دیدگاه خود را نسبت به دیگران ارجح بدانند. با این حال در رابطه با مفهوم منازعه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد برای مثال، دورکیم^۲ منازعه را یک پدیده غیرعادی در نظر گرفته و برای تفسیر آن از اصطلاح آنومی^۳ یا آسیب‌شناسی^۴ استفاده کرده است. ویلسوناند کلب^۵ معتقد است که منازعه یک اثر واگرا و تفکیک کننده دارد، اما برخی دیگر این دیدگاه را رد کرده‌اند. پارک، برگس و زیمل^۶ استدلال می‌کنند منازعه وسیله‌ای برای حل و جلوگیری از شکافت کامل بین دو طرف است که در نهایت نوعی وحدت را حفظ می‌کند. برخی دیگر نظیر شلنبرگ^۷ معتقدند که منازعه نه بد است و نه خوب، بلکه یکی از ضروریات زندگی اجتماعی انسان‌هاست. علاوه بر این دیدگاه‌های مارکسیستی منازعه را نه تنها در سیستم اجتماعی مهم می‌دانند، بلکه آن را محرک اصلی برای تغییر اجتماعی قلمداد می‌کنند (ثاکور، ۲۰۱۳: ۷). منازعه اشاره به اختلاف و ناسازگاری در رویکردها، اهداف و اقدامات بازیگران در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی دارد و دارای انواع مختلف است. منازعه مرزی و سرزمینی یکی از گونه‌های منازعه بین‌الدولی است که میان کشورها با همسایه یا همسایگان خود بر سر مالکیت و حاکمیت بر مناطق مرزی مشترک رخ می‌دهد (حافظ‌نیا و میرزائی‌تبار، ۱۳۹۸: ۱۶۷). منازعه هم شامل درگیری در عرصه خرد (درون سرزمینی) و هم عرصه کلان (بین‌الدولی) می‌شود و زمانی تشدید می‌شود که اختلافات به فراتر از کنترل طرفین درگیر تسری یابد (طهماسبی، برزگر و حاجی‌یوسفی، ۱۴۰۰: ۱۶۲).

۲-۲-۲. ویژگی‌های منازعه

منازعه می‌تواند معرف یک اختلاف دیدگاه یا در سطح گسترده معرف جنگ و نبرد دو یا چند بازیگر در مقیاس محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد. ریشه یا ریشه‌های منازعات در هر سطح و مقیاسی، متشکل از علل و عوامل مختلفی اعم از فردی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و ... است (حافظ‌نیا و میرزائی‌تبار، ۱۳۹۸: ۱۶۸). منازعه دارای ویژگی‌ها و

^۱ Conflict

^۲ Durkheim

^۳ Anomie

^۴ pathology

^۵ Wilson and Kolb

^۶ Park, Burgess & Simmel

^۷ Schellenberg, J. A

^۸ Thakore, D.

مشخصه‌هایی است. ایونا و گیبلز (۲۰۱۷) برخی از این ویژگی‌ها را به شرح زیر بیان کرده‌اند:

(الف) منازعه دلالت بر نوعی وابستگی یا وابستگی متقابل دارد که می‌تواند مثبت (یک زمینه مشارکتی)، منفی (یک زمینه رقابتی) و یا مختلط باشد.

(ب) منازعه عمدتاً موقعیت‌هایی با انگیزه مختلط هستند، زیرا طرفین انگیزه‌های همزمان برای همکاری و انگیزه‌های نیز برای رقابت دارند.

(ج) منازعه یک تجربه روانی، شخصی و ذهنی است، زیرا طرفین می‌تواند همان تعارض را به شیوه‌ای متفاوت درک و مدیریت کند و این بستگی به ادراک موقعیت خاص طرفین دارد.

(د) منازعه در تنش شناختی و عاطفی ریشه دارد که ممکن است احساس ترس یا خشم به همراه داشته باشد. تجارب و تنش‌های عاطفی در منازعه نیز از عوامل فرهنگی، تاریخی و حتی شخصی تأثیر می‌پذیرد.

(ه) منازعه می‌تواند یک طرفه باشد. در این حالت طرفین واقعیت یکسانی را درک نمی‌کند. یک طرف ممکن است درکی شدید از محور منازعه داشته باشد در حالی که طرف دوم به سختی از این تعارض آگاه است.

(و) منازعه یک فرآیند پویا و چند مرحله‌ای است و به طور ناگهانی ظاهر نمی‌شود، بلکه مدتی طول می‌کشد تا توسعه یابد (الگیبرا و همکاران، ۲۰۱۷: ۵-۱).

۳-۲-۲. مدیریت منازعه

مدیریت منازعه به مجموعه اقدامات و راهبردهایی گفته می‌شود که به منظور سمت و سو دادن به منازعه اتخاذ می‌گردد. مدیریت منازعه لزوماً به معنی اجتناب، کاهش یا خاتمه منازعه نیست و بر این اساس انواع مختلفی از مدیریت منازعه وجود دارد. در یک مفهوم جامع مدیریت منازعه پاسخ‌های شناختی به موقعیت‌های متعارض و اقداماتی است که از پیشگیری، همکاری و مقابله با موقعیت‌های متعارض تا تشدید آن را شامل می‌شود. با این حال در حالتی که مدیریت منازعه به معنی خاتمه و حل و فصل آن باشد از طرق متفاوتی ممکن است هدایت و مدیریت شود که مهمترین آنها عبارت است از: (الف) مجادله سازنده؛ (ب) مذاکره؛ (ج) پادرمیانی؛ (د) میانجیگری؛ (ه) داوری و) و تصمیم‌گیری رسمی-نهادی (الگیبرا و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۵-۵).

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-تبیینی است و با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند

در طیف پژوهش‌های کاربردی قرار دارد به طوری که ضمن معرفی الگوهای مختلف مدیریت منازعه بازیگران، تا حد زیادی قابلیت پیش‌بینی چگونگی ورود بازیگران به منازعات آتی را فراهم نموده و درک درستی از فضای موجود برای اتخاذ سیاست‌ها، اقدامات و کنش مناسب و چگونگی مواجهه و رویارویی با بازیگران نقش‌آفرین در منازعات را ایجاد می‌کند. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه پیشینه پژوهش‌ها و تحقیقات علمی مرتبط با موضوع، بررسی رفتار و راهبردهای بازیگران و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه تحت بررسی گردآوری شده است.

۴. یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

۴-۱. مختصات جغرافیایی منازعات

دو اقیانوس هند و آرام از جمله مهمترین مناطق آبی جهان هستند که دو خلیج بزرگ بنگال و تایلند، دریاهای مهمی نظیر دریای جنوبی چین، دریای فیلیپین، دریای شرقی چین، دریای زرد، دریای ژاپن و تعدادی دریا و دریاچه در شمال تا غرب استرالیا را در خود جای داده‌اند. این دریاها به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع طبیعی، دوری و نزدیکی با کشورها و همچنین تقسیم‌بندی مرزهای دریایی از درجات اهمیت متفاوتی برخوردارند. از این رو به نسبت اهمیت جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی، تمرکز کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر آنها، اختلافات و منازعات در آنها متفاوت است. همچنین به هر میزان که این دریاها از نظر مختصات کوچک‌تر و توسط کشورهای منطقه محصور بوده و دارای تقسیم‌بندی مرزهای دریایی متداخل هستند، اختلافات، تنش و درگیری در آنها بیشتر است. به عنوان مثال خلیج تایلند، دریای زرد و دریای ژاپن از جمله دریاهای تنش‌زای شرق و جنوب شرق آسیا هستند. مهمتر از آنها دو دریای جنوبی چین و دریای شرقی چین به واسطه محصور شدن با کشورها و مرزهای متداخل، وجود منابع عظیم و گسترده، اهمیت ارتباطی، امنیتی و ادعاهای مالکیت کشورهای ساحلی بر آنها، از جمله پرتنش‌ترین دریاهای این منطقه محسوب می‌شوند (آچسن، ۲۰۱۱ و دالون و همکاران، ۲۰۲۱). این دو دریا در چند دهه گذشته محل منازعه، تنش و حتی درگیری‌های مسلحانه بین چین و کشورهای پیرامونی بوده است. ادعاهای بین چین، تایوان، فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونئی و سنگاپور در دریای جنوبی چین (استوری، ۲۰۲۰: ۱)، تنش‌های دیرینه کره شمالی و کره جنوبی، اختلافات بر سر بسیاری از جزایر موجود در این آب‌ها و به طور خاص بین ژاپن و چین در دریای ژاپن، اختلافات چین،

تایوان و ژاپن در دریای شرقی چین (اگونوئیکی، ۲۰۲۰: ۷۹) و همچنین در درجه‌ای ضعیف‌تر اختلافات و ادعاها در دریای زرد بین چین، کره شمالی و کره جنوبی (چو، ۲۰۲۱: ۲۹۴) موجبات تشدید تنش و منازعه در این آبها شده است.

نقشه شماره (۱): آبهای محل تنازع و کشورهای ساحلی



Source: IILSS(2021), "China geopolitical interests in eastern Asia and south China sea", international institute for law of the sea studies, p 1.

با این حال با توجه به اینکه تنش و درگیری با درجات مختلف در همه این دریاها وجود دارد و بررسی ابعاد و جزئیات همه تنش‌های موجود در این نوشتار میسر نیست، بنابراین نقطه تمرکز این پژوهش دریای جنوبی چین، دریای شرقی چین، دریای زرد و دریای ژاپن است، اگرچه منازعات به این دریاها محدود نبوده و دامنه گسترده‌تری در همه آب‌های منطقه دارد.

۴-۲. مهمترین علل شکل‌گیری منازعات و بین‌المللی شدن آن

یکی از مهم‌ترین راه‌های دسترسی به تأمین امنیت و حفظ منافع ملی در جهانی که عرصه رقابت و همکاری بازیگران است، سیاست‌گذاری و به‌کارگیری قدرت دریایی است (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۰). بر این اساس دریاهای شرق و جنوب شرق آسیا برای کشورهای پیرامونی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که وجود بیش از یک قرن ادعاها و اختلافات مرزی و ارضی متعدد بین کشورهای منطقه منجر به ایجاد منازعات متعدد در این دریاها و بستر نمایش قدرت شده است. مهمترین علل مشترک شکل‌گیری این منازعات دو دسته‌اند:

الف) ادعاهای مالکیتی و تسلط بر منابع و راه‌های ترانزیتی: اختلاف نظرها و ادعاهای مالکیتی بین چین، تایوان، فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونئی و سنگاپور در دریای جنوبی چین بر سر جزایر پاراسل^۳، پراتس^۴، اسپراتلی^۵ و مکلسفیلد^۶ (استوری، ۲۰۲۰: ۱ و ادوکات، ۲۰۲۱: ۹۰)،

^۱ Ogunnoiki, A. O

^۲ Cho, S.

^۳ Paracel

^۴ Pratas

^۵ Spratly

اختلاف در بهره‌برداری از منابع طبیعی (حدود ۱۱ میلیارد بشکه نفت، ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی و ذخایر قابل توجه ماهی، مرجان و سایر منابع در زیر بستر و زیر بستر)، اختلاف در استفاده از راه‌های ترانزیتی در این دریا (عبور سالانه مبادلات تجاری از طریق کشتی‌های تجاری از این دریا به ارزش حدود ۳,۴ تریلیون دلار از این دریا) (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) و اهمیت ژئوپلیتیکی آن برای کشورهای ساحلی (صبوری و قیاسی، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۱) عوامل مهم منازعه، تنش و درگیری مسلحانه در این دریاست (فیدوک و پاول، ۲۰۱۵: ۱). اهمیت تسلط و بهره‌برداری از منابع عظیم هیدروکربنی، آبی، معدنی و طبیعی در بستر و زیربستر دریای شرقی چین (آچسن، ۲۰۱۱: ۲)، اهمیت نقش ترانزیتی آن در مبادلات اقتصادی و تجاری بین‌المللی در کنار اختلافات و ادعاهای چین، تایوان و ژاپن بر سر جزایر و کنترل کانال‌های ارتباطی (اگونویکی، ۲۰۲۰: ۷۹)، همچنین ادعاهای مالکیتی متعدد در دریای ژاپن بر سر جزایر دوکدو^۴ و تاکیشیما^۵ بین ژاپن و کره جنوبی و همچنین بین ژاپن، چین و تایوان (بر سر جزایری که ژاپن آنها را سنکاکو^۶ و چین آنها را جزایر دیاویو^۷ می‌نامند) (استراتینگ، ۲۰۲۱: ۱) خطوط کشتیرانی، ذخایر بالقوه هیدروکربن، مناطق مهم ماهیگیری (اگونویکی، ۲۰۲۰: ۷۹) و نیز اختلاف نظر بر سر تعیین منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و استفاده از منابع این جزایر از جمله عوامل اصلی تنش، درگیری و منازعه در این دو دریاست. علاوه بر آن اختلافات و تنش‌های موجود در دریای زرد بین کشورهای چین، کره شمالی و کره جنوبی در تعیین مرزهای آبی نیز از مهمترین دلایل تنش در این دریاست، که با بروز اختلاف در نحوه بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر دریا تشدید شده است (چو، ۲۰۲۱: ۲۹۶-۲۹۴).

ب) اختلاف بر سر نحوه استقرار و کنترل سیستم امنیت دریایی: تقابل بر سر نحوه برقراری امنیت دریایی و تسلط بر محیط امنیتی آن از دهه گذشته با افزایش اختلافات در دریای جنوبی و شرقی چین افزایش یافته و جریان‌های متعدد رقابتی را ایجاد نموده است (استراتینگ، ۲۰۲۰: ۱). اقدامات بی‌نتیجه کشورهای عضو آسه آن، چین و دیگر کشورهای منطقه در رابطه با ایجاد سیستم

^۱ Macclesfield Bank

^۲ Advocate, S. J.

^۳ Heiduk, F, and Paul, M.

^۴ Dokdo

^۵ Takeshima

^۶ Senkaku

^۷ Diaoyu

^۸ Stratton, Rebecca

امنیتی مشترک و یا تقسیم شده (زو، ۲۰۲۰: ۲۰۲)، مخالفت کشورهای ساحلی با اقدامات چند دهه‌ای چین در ایجاد یک سیستم امنیت دریایی مشترک بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اقدامات یک‌جانبه ژاپن و تأکید بر اصل اتکاء به خود و تکیه بر گارد ساحلی و نیروی دریایی برای تأمین سیستم امنیت دریایی به جای اتخاذ راهبرد امنیتی مشترک در منطقه (فرویا، ۲۰۱۹: ۱۰-۱) و تمرکز بر افزایش قدرت دریایی زمینه تنش و منازعه در این آبها را فراهم کرده است. در این راستا گسترش نیروی دریایی چین، تسریع نوسازی نظامی کشورهای ساحلی از جمله فیلیپین برای ایجاد قابلیت بازدارندگی در کنار ایجاد مشارکت امنیتی با ایالات متحده و ژاپن (دکاسترو، ۲۰۱۶: ۱۱۱)، تشکیل شورای امور اقیانوس^۳ در سال ۲۰۱۸م شامل سه آژانس اداره گارد ساحلی^۴، اداره حفاظت از اقیانوس^۵ و آکادمی ملی تحقیقات دریایی^۶ در جنوب تایوان با هدف ادغام و هماهنگی همه امور اقیانوسی و ایجاد بازدارندگی (شی، ۲۰۲۰: ۱)، واگرایی دیگر کشورهای ساحلی در جنوب دریای جنوبی چین نظیر تایلند، مالزی، فیلیپین، برونئی، سنگاپور و اندونزی و نیز کشورهای کره جنوبی و کره شمالی در دریای شرق چین و دریای زرد در حوزه اتخاذ سیستم امنیت مشترک و تمایل به همکاری با ایالات متحده آمریکا و روسیه پیچیدگی‌های سیستم امنیت دریایی این حوزه را افزایش داده و منازعات را تشدید کرده است.

دو عامل مهم دیگر در کنار عوامل ذکر شده سبب تبدیل این منازعات از یک منازعه منطقه‌ای به یک منازعه بین‌المللی تشدید شونده شده است. یکی تبدیل شدن آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا به یکی از مهمترین مسیرهای ترانزیت بین‌المللی و مبادلات تجاری بین‌المللی و دیگری حضور و نقش آفرینی بازیگران فرامنطقه‌ای و غیرساحلی در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا است. توسعه مبادلات صنعتی، تجاری و اقتصادی ژاپن و مهمتر از آن چین، افزایش خیره کننده مبادلات تجاری و اقتصادی این کشور در دهه گذشته در آب‌های پیرامونی و حضور بی‌شمار کشتی‌های تجاری و بازرگانی، نفت‌کش‌ها و تعداد کثیر کشتی‌های کانتینری از کشورهای مختلف منطقه و جهان، ضمن اینکه موضوعات امنیتی در حوزه ترانزیتی و حمل و نقل بین‌المللی را ضروری نموده است، اختلاف بر سر فرایند و چگونگی عبور و مرور کشتی‌های تجاری و تسلط بر

^۱ Zou, K.

^۲ Furuya, K.

^۳ The Ocean Affairs Council (OAC)

^۴ The Coast Guard Administration (CGA)

^۵ The Ocean Conservation Administration (OCA)

^۶ The National Academy of Marine Research (NAMR)

^۷ Shih, Y. C.

مسیرهای ترانزیتی بین‌المللی بین کشورهای ساحلی را افزایش داده است. این مسأله در کنار حضور کشورهای نظیر روسیه و آمریکا و حتی هند و نقش آفرینی آنان در این آبها، همچنین اتحاد و ائتلاف با کشورهای ساحلی، سیاست‌های چندگانه و متعارض آنان و مداخله مستقیم در منازعات منجر به تغییر ماهیت آن به یک منازعه بین‌المللی شده است.

۴-۳. مؤلفه‌های شکل‌دهنده به الگوهای مدیریت منازعه چین، روسیه و آمریکا

با توجه به اینکه همه بازیگران نظام بین‌الملل، علی‌الخصوص بازیگرانی که در شکل‌دهی به ساختار و هنجارهای نظام بین‌الملل نقش دارند، به صورت عقلایی عمل نموده و در کنش و رفتارهای خود همواره منافع حیاتی، ملی و دستاوردهای نسبی را مورد توجه قرار می‌دهند، بنابراین هرگونه اقدام، کنش، واکنش و راهبردهای خود را در جهت دستیابی به منافع خود اتخاذ می‌کنند. این قاعده در وضعیت‌های تنش‌زا و منازعات از اهمیت بیشتری برخوردار است، بنابراین بازیگران در مواجهه با وقوع منازعات با رویکردی عقلایی، با مدنظر قراردادن شرایط زمانی و مکانی، آثار آنی، کوتاه مدت، میان مدت و یا بلند مدت آن و همچنین براساس شدت منازعه، ممکن است الگوهای متفاوت مدیریت منازعه اتخاذ می‌کنند. سه کشور چین، روسیه و ایالات متحده، هر یک در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا نقش مهمی ایفاء می‌کنند و کنش، رفتار، رویکرد و راهبردهایی را برای دستیابی به منافع و اهداف مورد نظر خود در این منازعات دنبال می‌کنند. در ادامه سه مؤلفه «رویکرد»، «راهبرد» و «اهداف» این کشورها در این منازعات که تعیین‌کننده الگوهای مدیریت منازعه آنهاست، تشریح شده و در نهایت الگوهای مدیریت منازعه آنان تبیین شده است.

۴-۳-۱. چین

چین به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای براساس برنامه‌های توسعه اقتصادی در چند دهه اخیر عمده سیاست‌ها و راهبردهای کلان خود را بر محوریت دریا سازماندهی کرده است. بنابراین موضوعاتی نظیر امنیت مسیرهای دریایی انتقال انرژی و کالا، چالش‌های افزایش حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در آسیای جنوب شرقی، تشدید اختلافات دریایی بر سر منابع انرژی با همسایگان (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۳) و حیاتی بودن مسیر دریایی در طرح کلان کمربند-جاده اهمیت ژئوپلیتیکی حوزه دریایی پیرامونی را برای چین تشدید کرده است. از این رو آب‌ها و دریاها پیرامونی از نقشی حیاتی برای این کشور برخوردارند. این مسائل موجب اتخاذ رویکرد و راهبردی مشخص از سوی چین در قبال تحولات موجود در آبهای منطقه شده است که با اهداف این کشور در منطقه نیز مطابقت دارد.

الف) رویکرد

چین در قبال تنش‌ها و منازعات دریایی پیرامون خود رویکرد مشخصی اتخاذ نموده است. این رویکرد که هم موضوع ادعاهای مالکیتی بر سر آبها و جزایر و هم موضوع بهره‌برداری از منابع موجود را در بر می‌گیرد، مبتنی بر استفاده از روش‌های دیپلماتیک و مذاکرات دوجانبه است. چین بر آن است که تنها راه رسیدن به توافق و از بین بردن تنش‌ها و منازعات، دیپلماسی و مذاکره و آن هم مذاکرات دوجانبه و نه چندجانبه است. چین چندین دهه است که این رویکرد را با توجه به سوابق حاکمیتی، قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین بدون هرگونه دخالت کشور ثالث و کشورهای فرامنطقه‌ای در پیش گرفته و بر آن تأکید دارد. این کشور به صورت مکرر بر بیانیه سال ۱۹۹۵ کیان کیچن وزیر امور خارجه اسبق مبنی بر اینکه «همه اختلافات باید از راه‌های مسالمت‌آمیز بر اساس مفاد حقوق بین‌الملل، از جمله کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا حل و فصل شوند» و همچنین بر مذاکرات دوجانبه با طرفین، بدون حضور کشورهای ثالث در مذاکرات و گفتگوها (فرآور، ۲۰۱۱: ۲۹۹) پافشاری می‌کند و تأکید دارد که هیچ کشور یا طرف ثالثی از ماهیت اختلافات و ادعاها آگاه نیست و نمی‌تواند در رسیدن به راه‌حلی مسالمت‌آمیز مؤثر باشد و حضور و دخالت در این موضوع چیزی جز تشدید تنش‌ها و فاصله گرفتن از رویکردهای مسالمت‌آمیز را به دنبال ندارد.

ب) راهبرد

چین در رابطه با تنش‌ها و منازعات موجود در دریاهای پیرامونی خود دارای راهبردی پایدار یعنی جلوگیری از تشدید تنش‌ها است. این کشور در برهه‌های زمانی مختلف بر خویش‌تن‌داری طرفین منازعه و جلوگیری از دخالت کشورهای ثالث و فرامنطقه‌ای تأکید کرده است و در شرایطی که احتمال تشدید منازعات وجود داشته و یا تنش‌ها افزایش یافته است، اقدامات مؤثری برای کنترل آن انجام داده است. اقدامات و توافقات جولای ۲۰۱۱ چین با اعضای آ. سه. آن و نیز اتخاذ دستورالعمل‌هایی اجرایی در کنترل تنش‌ها و تقویت همکاری در حوزه‌های امنیت دریایی (فرآور، ۲۰۱۱: ۳۱۱) در پی افزایش تنش‌ها، نشست‌های وزرای دفاع چین و فیلیپین در دریای جنوبی چین در سال ۲۰۱۲ پس از درگیری‌های نیروهای نظامی دوطرف و مؤثر واقع شدن آن در جلوگیری از تشدید تنش و بروز منازعه (چنگ و فالادینا، ۲۰۱۴: ۱۹۷)، اقدامات متعدد در راستای مشارکت راهبردی و دیپلماسی دریایی با کشورهای ساحلی، گفتگوهای امنیتی با هند در

۱) Fravel, M. T.

۲) Cheng, J. Y., & Paladini, S.

سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸م، توافق بر سر سازوکار ارتباطات هوایی-دریایی با ژاپن در سال ۲۰۱۸م به منظور جلوگیری از درگیری نیروهای دریایی دوطرف و مدیریت تنش‌های دریایی (محروق، ۱۴۰۱: ۳۱۵) از جمله اقدامات چین در این راستا بوده است. توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای پیرامونی و ساحلی نیز از دیگر اقداماتی است که در چارچوب این راهبرد صورت می‌گیرد. چین تلاش نموده است تا از یک سو با تقویت مناسبات با کشورهای منطقه و از سوی دیگر با ورود به نهادهای چندجانبه منطقه از جمله آ.سه.آن و آپک و همچنین نقش آفرینی در سازمان‌هایی نظیر شانگهای در چارچوب سیستمی هماهنگ اختلافات مرزی با همسایگان را مدیریت کند (سیمبر و حسینی، ۱۳۹۵: ۸۲) و یا حداقل آنها را کنترل نمود و از تشدید آن جلوگیری کند.

ج) اهداف

با نگاهی به رویکرد و راهبرد چین در منازعات دریایی پیرامونی و پایداری و استمرار این رویکرد و راهبرد در این منازعات، انطباق و سنخیت آن با اهداف این کشور در منطقه را روشن می‌سازد. مهمترین اهداف چین تسلط بر آبراهه‌ها و ایجاد ثبات مورد انتظار در مسیرهای آبی ترانزیت کالا به منظور عدم اختلال در جریان مبادلات عظیم اقتصادی و تجاری، جلوگیری از حضور کشورهای فرامنطقه‌ای خصوصاً ایالات متحده آمریکا به عنوان عاملی مهم در تشدید منازعات و حفظ نقش برتر در منطقه و آبهای پیرامونی است.

از زمان دنگ شیائوپینگ وابستگی چین به اقیانوس‌ها، دریاها و آب‌ها بیش از پیش افزایش یافته و دسترسی و کنترل بر آب‌ها را به یک ضرورت حیاتی برای این کشور تبدیل کرده است. چین از چند دهه گذشته به طور فزاینده به واردات (خصوصاً انرژی و مواد غذایی) از طریق دریا نیازمند است. منابع عظیم آبزیان در آب‌های پیرامونی (با اختصاص ۱۲ درصد از صید جهانی) برای چین (به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده مواد غذایی جهان) بسیار حیاتی است. علاوه بر آن حوزه دریایی برای امنیت ملی چین اهمیتی مضاعف دارد (ایشیا و چنگ، ۲۰۱۶: ۱). این کشور با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آبهای منطقه و در راستای توسعه اقتصادی و پیگیری راهبرد «اقتصاد آبی» درصدد است تا در این آب‌ها ایستگاه‌های اقتصادی باثباتی ایجاد کند تا ضمن تسلط بر کانال‌های دریایی تأمین منابع و انرژی (زی، ۲۰۱۴: ۱۲۰-۱۱۹) حضور فعال خود در بازارهای جهانی را تثبیت نماید. همچنین لازمه ایفای نقش برتر در منطقه برای چین، تسلط بر ساختارها و سیستم‌های

۱. Asia, T., & Cheng, D

۲. Xie, Z.

امنیتی منطقه و زیر سیستم امنیت دریایی آن است. این در حالی است که اختلافات دریایی عامل مهم شکاف‌های سیاسی-امنیتی در حوزه پیرامونی چین با همسایگان است (کو، هیوانگ و چو، ۲۰۲۲: ۱۲) و مدیریت و حل و فصل این تنش‌ها بدون دور نگه داشتن ایالات متحده و متحدین آن خصوصاً ژاپن از آب‌های منطقه و جلوگیری از دخالت آنان در اختلاف نظرها و تنش‌ها با کشورهای ساحلی ممکن نیست. فائق آمدن بر این مسائل برای چین بسیار حائز اهمیت است تا از این طریق ضمن کنترل آب‌های پیرامونی، موقعیت برتر خود در منطقه را حفظ نماید.

بنابراین رویکرد و راهبرد چین در منازعات دریایی پیرامون خود و اهداف این کشور در این منازعات در مجموع به شکل‌گیری الگویی خاص از مدیریت منازعات از سوی این کشور منجر شده است. به عبارت دیگر الگوی مدیریت منازعه چین در منازعات دریایی پیرامونی ارتباط تنگاتنگی با رویکرد، راهبرد و اهداف این کشور دارد. چین در چند دهه گذشته تلاش نموده است تا به پشتوانه رشد اقتصادی، قدرت و جایگاه منطقه‌ای خود را مستحکم و تداوم بخشد، به منابع طبیعی عظیم در آب‌های پیرامونی دسترسی سهل و آسان داشته باشد، کانال‌های ترانزیت دریایی را کنترل نموده و ضمن تسلط بر سیستم امنیت دریایی منطقه از دخالت و نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای جلوگیری نماید و مبادلات تجاری و اقتصادی خود را بیش از پیش توسعه دهد. لازمه این امر نبود تنش و درگیری و همچنین امنیت در مناطق پیرامونی خصوصاً در آب‌های منطقه است. چین اختلافات موجود در حوزه مالکیت بر جزایر، مرزبندی مناطق دریایی و بهره‌برداری از منابع با کشورهای همسایه را اختلافاتی دوجانبه می‌داند و درصدد است از تشدید تنش و درگیری در این آب‌ها جلوگیری نموده و این منازعات را خاتمه دهد که این مسائل منجر به شکل‌گیری الگویی از مدیریت منازعه توسط این کشور در قالب حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین شده است.

۲-۳-۴. روسیه

روسیه یک قدرت منطقه‌ای و همچنین یکی از بازیگران مهم در ساختار منطقه‌ای اوراسیاست. این کشور در اقیانوس آرام و هند منافع راهبردی و حیاتی متعددی دارد و همواره در این منطقه حضور و نقشی مؤثری داشته است. از این رو تنش و منازعات در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا برای این کشور موضوعی بسیار مهم و استراتژیک است که سبب اتخاذ رویکرد و راهبردی مشخص و منطبق با اهداف مورد نظر این کشور در قبال منازعات شده است.

الف) رویکرد

روسیه در قبال منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا رویکرد معینی اتخاذ نموده است. این کشور در ادوار مختلف بر این موضوع تأکید داشته است که در این منازعات بی‌طرف بوده و دخالتی ندارد. روسیه در این راستا بارها اعلام کرده است که در تنش‌ها و منازعات دریایی در شرق آسیا دخالت نمی‌کند و در این رابطه پوتین به طور مکرر این موضع را اعلام کرده است. نمونه بارز و رسمی اتخاذ این رویکرد در سال ۲۰۱۶ بود که اعلام نمود «ما در این تنش‌ها و اختلافات دخالت نمی‌کنیم و معتقدیم که هرگونه دخالت ثالثی در این موضوع به حل و فصل اختلافات لطمه می‌زند» (دیکارو و لوکین، ۲۰۲۱: ۱۳-۱۲). اتخاذ این رویکرد از سوی روسیه و استمرار آن متأثر از دو موضوع مهم است، یکی همکاری‌های راهبردی با چین و دیگری تعاملات گسترده با کشورهای ساحلی و طرفین منازعه. این موضوع سبب شده است تا روسیه یک طرف را بر دیگری ارجحیت ندهد و تعامل و ارتباطات با هر دو طرف را حفظ نماید.

ب) راهبرد

علی‌رغم اتخاذ رویکرد بی‌طرفانه از سوی روسیه، این کشور راهبرد فروش تسلیحات و ایجاد رقابت تسلیحاتی در کانون منازعات را در پیش گرفته و این راهبرد را برای دهه‌های متوالی ادامه داده است. این کشور به چندین طرف منازعه و عضو اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا از جمله ویتنام تسلیحات صادر می‌کند. برای مثال بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ اعضای آسه‌آن بیشتر از ۸۰ درصد تسلیحات خود را از روسیه وارد کردند. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، این کشورها ۹ درصد از صادرات تسلیحات جهانی روسیه را به خود اختصاص داده‌اند. اندونزی، مالزی و میانمار نیز تسلیحات نظامی مهمی از جمله هواپیماهای جنگی، تانک‌ها و بالگردهای حمل و نقل سنگین از این کشور خریداری کرده‌اند (رومر و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۱-۲۶). روسیه همچنین به فیلیپین، برونئی، هند و در سطح غیررسمی به تایوان تسلیحات صادر می‌کند (دیکارو و لوکین، ۲۰۲۱: ۱۶-۱۵). نیاز روسیه به فروش تسلیحات در شرق آسیا، عامل مهمی برای عدم تمایل روسیه به حل و فصل منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیاست. روسیه از یک سو مایل به فروش تسلیحات مدرن به چین نیست و چین نیز تمایلی به خرید تسلیحات قدیمی روسیه ندارد. روسیه به بازار مصرف تسلیحات در حوزه پیرامونی خود نیاز حیاتی دارد (سیمبر و حسینی، ۱۳۹۵: ۹۰) و رونق فروش تسلیحات با ایجاد رقابت تسلیحاتی در کانون تنش و منازعه میسر خواهد بود.

ج) اهداف

رویکرد و راهبرد اتخاذ شده توسط روسیه در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا به واسطه وجود دو قدرت بزرگ رغیب و غیرهمسو یعنی چین و ایالات متحده، پیچیده و متناقض است. با این حال این رویکرد و راهبرد با اهداف این کشور در منطقه مطابقت و سنخیت دارد. از مهمترین اهداف این کشور در منطقه دسترسی و تسلط به دریا و آب‌های گرم، جلوگیری از حضور و مداخله ایالات متحده در منطقه و توازن قدرت چین است. هدف دیرینه روسیه با سابقه بیش از یک قرن، رسیدن به آب‌های آزاد و گرم از جمله آب‌های خلیج فارس، اقیانوس هند و آرام بوده است. در این راستا آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا با توجه به نزدیکی جغرافیایی به خاک این کشور در کانون این راهبرد قرار دارند. از این رو بروز اختلاف، تنش و منازعه در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا فرصت کافی برای حضور نظامی روسیه ایجاد می‌کند. روسیه به خوبی این موضوع را درک کرده است که با توجه به رشد سریع اقتصادی چین و پتانسیل تبدیل قدرت اقتصادی این کشور به قدرت نظامی طی چند دهه آینده، این کشور توان رقابت با چین در حوزه نظامی و امنیتی و دسترسی و کنترل بر آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا را نخواهد داشت، از این رو سعی دارد سطح دسترسی به آب‌های منطقه را افزایش داده و حضور و کنترل خود بر آن را تثبیت نماید. اهمیت آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا برای روسیه از یک سو تابعی از اشتراکات مرزی طولانی با چین، عدم تعادل راهبردی و روند رو به رشد این کشور و از سوی دیگر متأثر از رقابت راهبردی با ایالات متحده به عنوان یک تهدید مهم است (رومر و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۹-۴).

هدف دیگر روسیه جلوگیری از افزایش حضور و نفوذ ایالات متحده در شرق و جنوب شرق آسیاست. افزایش نیروی دریایی امریکا، برقراری روابط سیاسی، نظامی و امنیتی با تعدادی از کشورهای منطقه، اتحاد و ائتلاف‌های نظامی و همچنین برگزاری رزمایش‌های نظامی با آنها (کرولو، ۲۰۱۷: ۲) در کنار نقطه قوت ایالات متحده امریکا در قدرت دریایی و حضور مستمر در آب‌های شرق در مقابل نقطه ضعف روسیه در داشتن مرزهای آبی و نیروی دریایی ضعیف، سبب شده است تا این کشور حضور نظامی ایالات متحده امریکا در آب‌های منطقه را تهدیدی جدی علیه خود قلمداد کند. این موضوع علی‌رغم نگرانی نسبت به افزایش قدرت چین، روسیه را در تقابل با امریکا در کنار چین قرار داده است. رزمایش‌های متعدد روسیه و چین (در قالب سازمان شانگهای از سال ۲۰۰۵ و رزمایش ۲۲ آوریل ۲۰۱۲ در دریای زرد و آب‌های منطقه در پاسخ به رزمایش‌های

امریکا و فیلیپین در دریای جنوبی چین در ۲۰۱۲ و دیگر متحدانش) نمونه‌هایی از اقدام در راستای جلوگیری از نفوذ ایالات متحده در آبهای منطقه است (سیمبر و حسینی، ۱۳۹۵: ۸۶).

از سوی دیگر روسیه در شرق و جنوب شرق آسیا به دنبال توازن قدرت با چین است. روسیه در چند دهه گذشته حضور خود در آب‌های این منطقه و روابط با کشورهای مخالف چین، خصوصاً کشورهایی که با چین در دریای شرق و دریای جنوبی چین اختلاف نظر دارند را در راستای موازنه قدرت چین افزایش داده است. روسیه همواره در حوزه‌های مهمی نظیر قطب شمال و خاور دور (که بر آنها حاکمیت و یا ادعای حاکمیت دارد)، فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی خصوصاً کشورهای استقلال یافته در آسیای مرکزی (مناطق که آن را حوزه نفوذ خود می‌داند) و مناطق تحت طرح کمربند - جاده با چین در تقابل است و تلاش دارد در این مناطق نقش برتر را ایفاء نموده و کنترل چین را نیز در دست داشته باشد. بنابراین باید به روابط چین و روسیه نه در قالب یک اتحاد راهبردی و پایدار، بلکه به عنوان یک راهبرد موقت به دلیل درک تهدید مشترک یعنی ایالات متحده امریکا نگریست.

بنابراین روسیه در رابطه با این منازعات رویکرد و راهبردی دوگانه اتخاذ کرده است. از یک سو رویکردی بی‌طرفانه در این منازعات داشته و از طرفی دیگر راهبرد فروش تسلیحات، رقابت تسلیحاتی و برگزاری رزمایش مشترک با کشورهای مخالف چین و کشورهای ساحلی محور منازعه را در پیش گرفته است. این منطقه و آب‌های آن در راهبردهای نظامی-امنیتی این کشور از جایگاه مهمی برخوردار است. از یک سو تشدید منازعه و تبدیل آن به یک منازعه بین‌المللی و افزایش حضور و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده منافع این کشور را تهدید می‌کند و از سوی دیگر نبود تنش و حل و فصل نهایی تنش‌ها و پایان منازعات در این آب‌ها به منزله افول نقش این کشور در بخش عظیمی از منطقه، از بین رفتن رقابت تسلیحاتی، کاهش فروش تسلیحات و حضور نظامی در آب‌های منطقه، تضعیف روابط نظامی - امنیتی با کشورهای مخالف چین و مخالف ایالات متحده امریکا و مهمتر از همه دشوار شدن فرآیند کنترل قدرت چین در آب‌های آسیای جنوب شرقی است که مجموع این عوامل سبب شکل‌گیری الگوی مدیریت منازعه مبتنی بر تداوم منطقه‌ای منازعات از سوی روسیه شده است.

۳-۴. ایالات متحده امریکا

ایالات متحده امریکا به عنوان قدرت نظامی برتر در نظام بین‌الملل، در حوزه نظامی و امنیتی راهبردهای کلانی را در سطح جهان طراحی و به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود اجرا

نموده است. هدف کلان این کشور حضور در کلیه مناطق جهان و نمایش قدرت و تثبیت جایگاه بین‌المللی خود است. یکی از حوزه‌هایی مهم که تلاش نموده است با تکیه بر نیروی دریایی نقش مؤثری در آن ایفاء کند، حوزه‌های آبی اقیانوس آرام و هند و به طور خاص آب‌های شرق و جنوب شرق آسیاست. اهمیت این منطقه برای ایالات متحده به واسطه دو قدرت بزرگ دیگر اقتصادی و نظامی یعنی چین و روسیه دوچندان شده است. مجموع این عوامل سبب شده است تا منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا به یک مسأله استراتژیک برای ایالات متحده تبدیل شود. بنابراین رویکرد و راهبرد این کشور علاوه بر اینکه مناسبات سیاسی - امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار داده، به منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا نیز سمت و سویی متفاوت داده است.

الف) رویکرد

ایالات متحده دو رویکرد را در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا در پیش گرفته است و مکرراً بر آن پافشاری و تأکید دارد. اولین رویکرد این کشور تهدیدزا خواندن اقدامات چین در آبهای منطقه است که صلح و امنیت در منطقه و جهان را تهدید می‌کند. در این رویکرد اقدامات چین تهدیدی سه جانبه است که منافع ملی و حیاتی کشورهای ساحلی، قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ژاپن و هند و قدرت‌های فرامنطقه‌ای که در آبهای آزاد دارای منافع هستند را به خطر انداخته است. دومین رویکرد این کشور تأکید بر آزادی دریانوردی بین‌المللی و آزادی کشتیرانی در آبهای منطقه است. ایالات متحده به طور مداوم بر هنجار بین‌المللی آزادی دریانوردی در آبهای شرق آسیا تأکید می‌کند و آن را شرط ثبات منطقه‌ای و جهانی می‌شمارد (مارتن، ۲۰۱۶: ۹۲۵) که همواره نیازمند حفاظت و صیانت است. در این راستا با وجود تأکید مکرر چین بر اصل آزادی کشتیرانی در این آبها، ایالات متحده هرگونه تحرک و اقدام چین در آبهای این منطقه را مخالف این اصل تفسیر و در برابر آن موضع‌گیری نموده و کشورهای ساحلی متحد و مخالف چین را علیه این کشور تهییج کرده است. این کشور به کرات بر حفظ دریانوردی بین‌المللی و به رسمیت شناختن بسیاری از آبراهه‌های این حوزه خصوصاً آبهای دریای جنوبی چین که کریدور ارتباط دهنده اقیانوس آرام و هند است، به عنوان آبراه بین‌المللی تأکید نموده است چراکه این موضوع حضور ایالات متحده در این آبها را توجیه نموده و این کشور را در رسیدن به منافع و اهداف خود یاری می‌دهد (صبوری و قیاسی، ۱۳۹۳: ۴۹). نمونه بارز و عینی این رویکرد اظهارات هیلاری کلinton در جولای ۲۰۱۰ مبنی بر بی‌اساس خوانده ادعاهای چین در این آبها و تأکید بر حفظ آزادی

کشتیرانی و دریانوردی، دسترسی به مسیرای دریایی و احترام به حقوق بین‌الملل (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷: ۱۴۶) است. تفسیر کنوانسیون ملل متحد در حقوق دریاها^۱ توسط امریکا به نفع خود و متحدین و در توجیه افزایش فعالیت کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی ایالات متحده در دریای چین جنوبی و دیگر آب‌های ساحلی (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) در راستای همین رویکرد قرار دارد.

(ب) راهبردها

ایالات متحده در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا همواره دو راهبرد مهم را پیگیری کرده است. اولین راهبرد، اتحاد و ائتلاف با کشورهای ساحلی و محور منازعه است. ائتلاف‌های بلندمدت با بسیاری از کشورهای مخالف چین نظیر فیلیپین، کره جنوبی، نیوزیلند، تایلند، تایوان و استرالیا و تقویت توانمندی‌های امنیتی کشورهای ساحلی نظیر (ویتنام، فیلیپین، مالزی، اندونزی، تایلند و میانمار) (محرّق، ۱۴۰۱: ۳۱۰-۳۰۸)، با ژاپن مطابق دستورالعمل‌های دفاعی بازنگری شده در سال ۲۰۱۵، تداوم ابتکار بازدارندگی هند و اقیانوسیه در سال ۲۰۲۰ (گلaser و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵)، با کره جنوبی، استرالیا و تایوان و همکاری با این کشور در آموزش نیروهای نظامی این کشور، توافقنامه نظامی شش ساله با کره جنوبی در سال ۲۰۱۹، توافق نظامی لوید آستین وزیر دفاع ایالات متحده با فیلیپین در سال ۲۰۲۱ و توافقنامه سه جانبه ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا اکواس^۳ در سال ۲۰۲۱ در قالب این راهبرد و استمرار آن است. دومین راهبرد این کشور فروش سلاح، ایجاد رقابت تسلیحاتی با کشورهای ساحلی و محور منازعه است. همکاری نظامی در دریای جنوبی چین، دریای شرقی چین و دریای زرد با سه متحد راهبردی خود یعنی فیلیپین، کره جنوبی و ژاپن (ارورک، ۲۰۲۲: ۱)، فروش زیردریایی‌ها، کشتی‌های جنگی، سیستم‌های دفاع ضد موشکی پاتریوت در سال ۲۰۰۱ و فروش ۶٫۷ میلیارد دلاری تسلیحات به تایوان در سال ۲۰۱۰ (توگوج و ابوالقاسم، ۲۰۲۰: ۴)، وضع و تدوین قانون مجوز دفاع ملی^۵ توسط کنگره امریکا در سال ۲۰۲۱ و افزایش روابط و فعالیت‌های نظامی با مخالفان چین، تقویت تعهدات دفاعی با فیلیپین تحت معاهده دفاعی و همکاری‌ها و کمک نظامی و امنیتی به کامبوج (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۳) و استمرار این راهبرد در دوران ریاست جمهوری اوباما، ترامپ و بایدن نمونه‌هایی است که تداوم این راهبرد را نشان می‌دهد. جدول زیر میزان فروش تسلیحات متعارف

^۱ United Nations Convention on the Law of the Sea

^۲ Glaser, B. S. et all

^۳ AUKUS

^۴ Toghuj, R., & AbuAlghanam, B.

^۵ The National Defense Authorization Act (NDAA)

ایالات متحده به کشورهای منطقه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): میزان فروش تسلیحات متعارف ایالات متحده به برخی کشورهای شرق آسیا (۲۰۱۹-۲۰۰۲)

کشور	میزان فروش / میلیون دلار
تایوان	۱۶,۰۱۰
استرالیا	۱۱,۷۰۰
ژاپن	۱۰,۳۶۰
کره جنوبی	۹,۲۵۲
سنگاپور	۳,۶۷۱

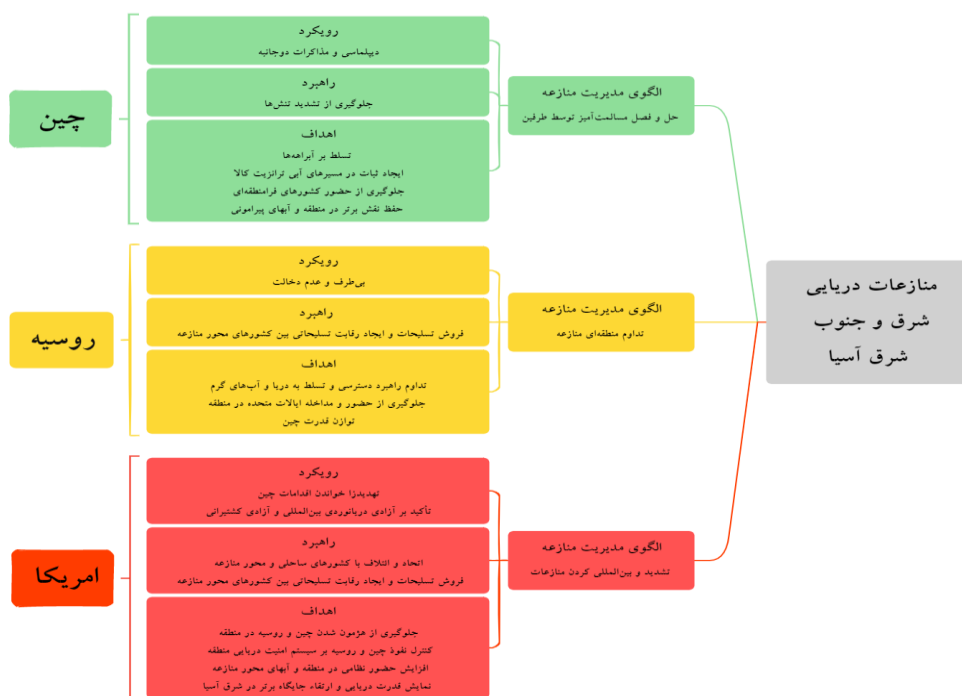
Sources: Thrall, A. T., Cohen, J., & Dorminey, C. (2020). Power, Profit, or Prudence? US Arms Sales since 9/11. *Strategic Studies Quarterly*, 14(2), p 115.

ج) اهداف

رویکردها و راهبردهای ایالات متحده در قبال این منازعات با اهداف این کشور در منطقه همسویی دارد. این کشور اهداف مهمی از قبیل جلوگیری از هژمون شدن چین و روسیه در منطقه، کنترل نفوذ این دو کشور بر سیستم امنیت دریایی منطقه، نمایش قدرت دریایی و ارتقاء جایگاه برتر در شرق آسیا را دنبال می‌کند. جلوگیری از گسترش نفوذ و افزایش قدرت روسیه و چین در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا و هژمون شدن آنان در منطقه یکی از اهداف دیرینه و بسیار مهم ایالات متحده امریکا است (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) که با تکیه بر متحدان (ارورک، ۲۰۲۲: ۲۶-۲۷) و از طریق همکاری‌های نظامی - امنیتی با کشورهای منطقه، انجام رزمایش‌های نظامی با کشورهای پیرامونی چین، انعقاد قراردادهای نظامی - امنیتی با این کشورها، حضور در آب‌های شرق آسیا و تأکید بر بین‌المللی بودن آنها (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) دنبال می‌شود. اقدامات باراک اوباما در چارچوب سیاست بازگشت به آسیا (صبوری و قیاسی، ۱۳۹۳: ۴۹)، استمرار در دوران ترامپ و حفظ آن در دوره بایدن در همین راستا صورت گرفته است. همچنین تسلط بر سیستم امنیت دریایی منطقه و جلوگیری از کنترل این سیستم توسط چین و روسیه از دیگر اهداف امریکا در آبهای منطقه است. این هدف با تشدید منازعات از سال ۲۰۰۹ خصوصاً در دریای چین جنوبی که مجموعه‌ای گسترده‌ای از رقابت‌ها بر سر نظم امنیتی منطقه‌ای ایجاد کرد، پیگیری شد که از متحدان و شرکای خود خواست تا در برابر اقدامات چین در حوزه دریایی بایستند (استراتینگ، ۲۰۲۰: ۱) و با اتحاد و حمایت از امریکا در سیستم امنیت منطقه خصوصاً سیستم امنیت دریایی منطقه ایفای نقش نمایند. نمایش قدرت دریایی و ارتقاء جایگاه برتر در شرق آسیا و آب‌های منطقه نیز اهداف مهم دیگر ایالات متحده است که و در چارچوب دکترین دریایی این کشور دنبال می‌شود. بنابراین براساس رویکردها و راهبردهای اتخاذ شده از سوی ایالات

متحدہ امریکا و اہداف آن در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا الگوی مدیریت منازعه این کشور مبتنی بر تشدید منازعه و بین‌المللی کردن آن است. تشدید منازعات و تبدیل آن به یک منازعه بین‌المللی از یک سو تمایل به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای کنترل منازعات را از بین برده و ضمن تقویت رویکردهای تجدیدنظر طلب، تشدید منازعات را موجب شده است و از سوی دیگر زمینه را برای حضور فعال سیاسی، امنیتی و نظامی این کشور در آبهای منطقه و مداخله در منازعات را فراهم کرده است. این موضوع مسیر رسیدن ایالات متحدہ به اہداف و منافع خود را ہموارتر کردہ است.

نمودار شماره (۱): مؤلفہا و الگوهای مدیریت منازعه چین، روسیہ و امریکا در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا



منبع: نگارندگان

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱. نتیجه‌گیری

هدف این مقاله الگویابی مدیریت منازعه چین، روسیہ و امریکا به عنوان سه قدرت بزرگ در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا بود کہ براساس سه مؤلفہ «رویکرد»، «راهبرد» و «اهداف» این کشورها در منازعات تبیین شد. یافته‌های پژوهش نشان داد کہ تعدد دریاهای محور تعارض، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آنها، تعدد معارضین و کشورهای ساحلی و تکثر

بازیگران منجر به شکل‌گیری این منازعات شده است. در این راستا رویکرد، راهبرد و اهداف معین چین، روسیه و آمریکا در این منازعات، الگوهای مدیریت منازعه متفاوتی را شکل داده است. اقدامات چین برای تسلط بر آبراهه‌ها و ایجاد ثبات مورد انتظار در مسیرهای آبی ترانزیت کالا به منظور عدم اختلال در جریان مبادلات عظیم اقتصادی و تجاری، جلوگیری از حضور کشورهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا و حفظ نقش برتر در منطقه و آبهای پیرامونی منجر به اتخاذ رویکرد و راهبردهایی مستمر و پایدار توسط این کشور شده است که این مسأله موجب شکل‌گیری الگویی مبتنی بر حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین منازعه شده است. اقدامات روسیه برای تداوم راهبرد دیرینه دسترسی و تسلط به آب‌های گرم، جلوگیری از حضور و مداخله ایالات متحده در منطقه و توازن قدرت چین نیز منجر به اتخاذ رویکرد و راهبردی مستمر و پایدار توسط این کشور شده است که این موضوع موجب شکل‌گیری الگوی مبتنی بر تداوم منازعات و حفظ آن در چارچوب منازعات منطقه‌ای از سوی این کشور شده است. همچنین اقدامات آمریکا برای جلوگیری از هژمون شدن چین و روسیه در منطقه، کنترل نفوذ این دو کشور بر سیستم امنیت دریایی منطقه، نمایش قدرت دریایی و ارتقاء جایگاه برتر در شرق آسیا منجر به اتخاذ رویکردها و راهبردهایی مستمر و پایدار توسط این کشور شده است که این موضوع شکل‌گیری الگوی مبتنی بر تشدید منازعات و تبدیل آن به منازعاتی بین‌المللی از سوی این کشور را موجب شده است.

۲-۵. پیشنهادات

با توجه به اینکه بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل براساس رویکردهای عقلانی، محاسبات مبتنی بر هزینه-فایده و در راستای دستیابی به اهداف و منافع خود عمل می‌کنند، در مواجهه با منازعات و بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز الگوهای رفتاری و مدیریتی مشخصی را دنبال می‌کنند. بنابراین با نظر به اینکه رویکردها و راهبردهای اتخاذ شده از سوی بازیگران در سیاست بین‌الملل، خصوصاً رویکردها و راهبردهای تکرارپذیر و پایدار می‌تواند در پیش‌بینی الگوهای رفتاری بازیگران مؤثر باشد، از این رو سیاستمداران و تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی باید توجه ویژه‌ای به قاعده‌مندی‌های رفتاری، رویکردی و راهبردی بازیگران داشته باشند. همچنین مدل‌های رفتاری و الگوهای مدیریت منازعه بازیگران می‌تواند در منازعات مشابه عیناً و یا با اندک تغییراتی مجدداً دنبال شود از این رو توجه به الگوهای مدیریت منازعه پیشین بازیگران مبنایی مهم برای اتخاذ راهبردهای مناسب در صورت مواجهه با آنان است و در نهایت در مطالعات علمی حوزه سیاست بین‌الملل، اهداف و منافع بازیگران می‌تواند به عنوان یک چراغ راهنما عمل

نماید که در مطالعه، تحلیل و تبیین کنش‌ها و الگوهای رفتاری بازیگران باید مدنظر قرار گیرد.

منابع

الف) فارسی

- بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۷). «پاسخ امریکا به قدرت‌یابی دریایی چین در دریای شرقی و دریای جنوبی»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۰(۱)، صص ۱۶۱-۱۳۱.
- حافظ نیا، محمدرضا و میرزایی تبار، میثم (۱۳۹۸). «تبیین ژئوپلیتیکی منازعات مرزی و سرزمینی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا از پایان جنگ سرد تا ۲۰۱۴ میلادی»، *فصلنامه سپهر*، دوره ۲۸، شماره ۱۱۲، زمستان، صص ۱۶۷-۱۸۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ متقی، منوچهر؛ بوالحسنی، خسرو و روشنی، رضا (۱۳۹۸). «دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک و موثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین»، *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، ۹(۳۴)، صص ۹۱-۱۱۶.
- خضری، رؤیا (۱۳۹۱). «استراتژی چین و آمریکا در دریای جنوبی چین»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۶(۳)، صص ۷۴۳-۷۵۸.
- سیمبر، رضا و حسینی، سیدمصطفی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل موثر بر همگرایی و منازعه روسیه و چین در عصر پساجنگ سرد»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۲(۹۶)، صص ۹۹-۶۷.
- صبوری، ضیاءالدین و قیاسی، امیر (۱۳۹۳). «تحولات ژئوپلیتیک دریای جنوبی چین و راهبرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: آثار و پیامدها»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره ۴، شماره ۱۴، زمستان، صص ۵۸-۳۱.
- طهماسبی، مریم؛ حاجی یوسفی؛ امیر محمد و برزگر، کیهان (۱۴۰۰). «درهم تنیدگی عناصر منازعه و همکاری در حوزه آبریز هیرمند»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱۰(۲)، صص ۱۸۴-۱۵۷.
- مجتهدزاده، پیروز؛ کریمی‌پور، یدالله؛ ربیعی، حسین و ضرغامی، ابراهیم (۱۳۹۷). «استراتژی دریایی و قدرت ملی (رویکردی نو به استراتژی دریایی)»، *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، ۸(۳۳)، صص ۲۱۲-۱۸۹.
- محروق، فاطمه (۱۴۰۱). «گذار دریاپایه و پویایی های دریایی چین-امریکا»، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۱(۱)، صص ۳۲۰-۲۹۵.

ب) انگلیسی

- Acheson, C. (2011). "Disputed Claims in the East China Sea", *An Interview with James Manicom. the National Bureau of Asian Research*, pp 1-2.
- Asia, T., & Cheng, D. (2016). "China and Asian Maritime Security", *The heritage Foundation*, pp1-12.

- Burke, E. J., Heath, T. R., Hornung, J. W., Ma, L., Morris, L. J., & Chase, M. S. (2018). "China's Military Activities in the East China Sea", *Implications for Japan's Air Self-Defense Force. Santa Monica: RAND Corporation*, pp 1_36.
- Cheng, J. Y., & Paladini, S. (2014). "China's ocean development strategy and its handling of the territorial conflicts in the South China Sea", *Philippine Political Science Journal*, 35(2), pp ۱۸۵-۲۰۲.
- Cho, S. (2021). "China's quiet challenges at sea: explaining China's maritime activities in the Yellow Sea, 2010-2020", *Asian Security*, 17(3), pp 294-۳۱۲.
- De Castro, R. C. (2016). "The Philippines discovers its maritime domain: the Aquino administration's shift in strategic focus from internal to maritime security", *Asian Security*, 12(2), pp 111-131.
- Dikarev, A., & Lukin, A. (2022). "Russia's approach to South China Sea territorial dispute: it's only business, nothing personal", *The Pacific Review*, ۳۵(۴), □□ ۶۱۷-۶۴۶.
- Dolven, B., Lawrence, S. V., & O'Rourke, R. (2021). "South China Sea Disputes: Background and US Policy", *Current Politics and Economics of Northern and Western Asia*, 30(2/3), pp 285-291.
- dvocate, S. J. (2021). "US Protests China's Maritime Claims in the South China Sea", *International Law Studies*, 97(1), pp 87-9۶.
- Elgoibar, P., Euwema, M., & Munduate, L. (2017). "Conflict management", In *Oxford research encyclopedia of psychology*, pp 1-23.
- Fravel, M. T (2011). "China's strategy in the South China Sea", *Contemporary Southeast Asia*, pp 292-319.
- Furuya, K. (2019). "Maritime Security—The Architecture of Japan's Maritime-Security System in the East China Sea", *Naval War College Review*, 72(4), pp 1-۲۷.
- Glaser, B. S., Bush, R. C., & Green, M. J. (2020). "Toward a stronger US-Taiwan relationship", *Washington, DC: Center for Strategic and International Studies*, pp 1-57.
- Heiduk, F, and Paul, M. (2015). "Seas of trouble: enduring territorial conflicts in East and Southeast Asia", *Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs*, pp 1-7.
- IILSS. (2021). "China geopolitical interests in eastern Asia and south China sea", *international institute for law of the sea studies*, pp 1-5.
- Koo, M. G. (2019). "Japan and the identity politics of East Asian maritime disputes", *Japan and Asia's Contested Order: The Interplay of Security, Economics, and Identity*, pp 239-259.
- Korolev, A. (2019). "Russia in the South China Sea: balancing and hedging", *Foreign Policy Analysis*, 15(2), pp 263-282.
- Korolev, A. (2017). "The two levels of Russia's South China Sea policies. Maritime security", *the vergion online at*: <https://isnblog.ethz.ch/maritime-security/the-two-levels-of-russias-south-china-sea-policies>.
- Kuo, J., Huang, M. H., & Chu, Y. H. (2022). "Maritime Territorial Disputes and China's Soft Power in East Asia", *Journal of Contemporary China*, 31(133), pp ۷۲-۸۵.

- Lin, C. P. (2015). "Behind rising East Asian maritime tensions with China: Struggle without breaking", *Asian Survey*, 55(3), pp 478-501.
- Morton, K. (2016). "China's ambition in the South China Sea: is a legitimate maritime order possible?", *International Affairs*, 92(4), pp 909-940.
- Ogunnoiki, A. O. (2020). "The East China Sea disputes: Examining China and Japan's territorial Claims", *Korea*, 3(2), pp 79-92.
- O'Rourke, R. (2022). "US-China strategic competition in South and East China Seas: Background and issues for Congress", *Washington, DC: Congressional Research Service*, pp ۹۹-۲۹۴.
- Patalano, A. (2013). "Sea power, maritime disputes, and the evolving security of the East and South China Seas", *The RUSI Journal*, 158(6), pp 48-57.
- Prasetya, D. M., Haffsari, P. P., & Estriani, H. N. (2020). "Identity Matters: Indonesia's approach towards territorial disputes in South-east Asia", *Maritime Affairs: Journal of the National Maritime Foundation of India*, 16(2), pp 89-1۰۵.
- Rumer, E., Sokolsky, R., & Vladicic, A. (2020). "Russia in the Asia-Pacific: Less Than Meets the Eye", *Carnegie Endowment for International Peace*, pp 1-50
- Shih, Y. C. (2020). "Taiwan's progress towards becoming an ocean country", *Marine Policy*, 111, 103725.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0308597X19302180>
- Stanzel, V. (2016). "Danger on the high seas: The East Asian security challenge", *European Council on Foreign Relations (ECFR)*, pp 1-12.
- Storey, I. (2021). "The Russia-China Strategic Partnership and Southeast Asia: Alignments and Divergences", *RESEARCHERS AT ISEAS – YUSOF ISHAK INSTITUTE ANALYSE CURRENT EVENTS*, ISSUE: 2021 No. 117.
<https://doi.org/10.1177/00207020241232987>
- Storey, I. (2020). "The South China Sea Dispute in 2020-2۰۲۱", *ISEAS-Yusof Ishak Institute*, pp 1-13.
- Strating, R. (2019). "Maritime Disputes, Sovereignty and the Rules- Based Order in East Asia", *Australian Journal of Politics & History*, 65(3), pp 449-4۶۵.
- Strating, R. (2021). "Maritime and Sovereignty Disputes in the East China Sea", *Commentary from the Maritime Awareness Project*, pp 449-465.
- Strating, R. (2022). "Norm contestation, statecraft and the South China Sea: defending maritime order", *The Pacific Review*, 35(۱), ۱-۳۱.
- Tan, S. S. (2020). "Consigned to hedge: south-east Asia and America's 'free and open Indo-Pacific' strategy", *International Affairs*, 96(1), pp 131-148.
- Thakore, D. (2013). "Conflict and conflict management", *Iosr Journal Of Business And Management (Iosr-Jbm)*, 8(6), pp 7-۱۶.
- Thrall, A. T., Cohen, J., & Dorminey, C. (2020). "Power, Profit, or Prudence? US Arms Sales since 9/11", *Strategic Studies Quarterly*, 14(2), pp 100-12۶.
- Toghuji, R., & AbuAlghanam, B. (2022). "The Game of Fluctuating Interests: USA and the Security Architecture in the South China Sea", *Politics and International Relations*, pp 1-14.
- Wood, J. R. (2021). "China's maritime strategy and national security in the South China Sea", *Intelligence and National Security*, 36(3), pp 444-450.

- Xie, Z. (2014). "China's Rising Maritime Strategy: Implications for its Territorial Disputes", *Journal of Contemporary East Asia Studies*, 3(2), pp 111-1۲۴.
- Yee, A. (2011). "Maritime territorial disputes in East Asia: A comparative analysis of the South China Sea and the East China Sea", *Journal of Current Chinese Affairs*, 40(2), pp 165-193.
- Zou, K. (2020). "Towards the Code of Conduct for the South China Sea: maritime security dimensions. In Maritime Security and the Law of the Sea", *Edward Elgar Publishing*, pp 202-217.

COPYRIGHTS

۲۰۲۵ by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>